

ماندلیشتام،  
یک دور تمام

- سالشمار زندگی ماندلیشتام / خجسته کیهان
- ماندلیشتام، یک دور تمام / ویکتور تراس / علی بهبهانی



# سالشمار زندگی اوسپ ماندلشتام

ترجمه خجسته کیهان

۱۳

- ۱۸۹۱ - سوم (یا پانزدهم) ژانویه - تولد اوسپ ایلویچ ماندلشتام در ورشو. او نخستین فرزند امیل ماندلشتام و فلورا وریلسکایا بود که در نوزدهم ژانویه ۱۸۹۹ ازدواج کردند.
- ۱۸۹۲ - تولد الکساندر اولین برادر اوسپ در پترزبورگ، پایتخت امپراطوری روس.
- ۱۸۹۸ - تولد اوژنی، برادر کوچکش.
- ۱۹۰۶ - سرودن نخستین اشعار.
- ۱۹۰۷ - ژانویه - چاپ اشعار در مجله‌ی دبیرستان.
- سپتامبر - والدین اوسپ، نگران از افکار انقلابی‌اش او را برای ادامه‌ی تحصیل به پاریس می‌فرستند.
- اواخر اکتبر - در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه سوربن پاریس ثبت نام و اتاقی در ساختمان مقابل دانشگاه اجاره می‌کند؛ در کالج دو فرانس در کلاسهای برگسون و پدی به شرکت می‌کند، به اشعار شعرای فرانسوی، از فرانسوا رولاند تا ورن و بودلر سخت علاقه‌مند می‌شود و به سرودن شعر و نگارش مقاله ادامه می‌دهد.
- ۱۹۰۸ - سپتامبر - بازگشت به پترزبورگ - می‌خواهد در دانشگاه سلطنتی این شهر ثبت نام کند، اما در پی تصمیم تزار در مورد محدودیت پذیرش یهودیان در مؤسسات پایتخت، از این کار منصرف می‌شود؛ در نشست‌های جامعه‌ی فیلسوفان مذهبی شرکت می‌کند.

در اواخر سال - در پی مجادله با پدر خانه را ترک می‌کند و نزد دایی‌اش می‌رود.  
۱۹۰۹ - آوریل - در نشست‌های نخستین آکادمی شعر که منحصر به سمبولیست‌ها است، شرکت می‌کند.

ژوئیه - سپتامبر - سفر به سوئیس همراه با خانواده.

آخر سپتامبر - ورود به هایدلبرگ.

اول نوامبر - ثبت نام در دانشکده‌ی فلسفه‌ی دانشگاه هایدلبرگ.

۱۹۱۰ - بیست و چهارم ژوئیه - با قایق برای عیادت از مادرش (که در آنجا جراحی شده) به برلین می‌رود.

۱۸ اوت - آغاز کار ادبی - پنج قطعه از اشعارش در شماره‌ی ۹ مجله‌ی آپولون در پترزبورگ به چاپ می‌رسد.

اواخر اکتبر - به پیشنهاد کابلوگنث اشعار خود را برای انتشار به مجله‌ی «فکر روسی» می‌سپارد.

اواخر سال - به جمع کارکنان مجله‌ی آپولون نزدیک می‌شود.

۱۹۱۱ - چهاردهم مارس - آشنایی با آنا آخمتوا.

۱۰ سپتامبر - در دانشگاه سلطنتی پترزبورگ، گروه زبانهای رومانیایی و دانشکده‌ی تاریخ و زبان‌شناسی ثبت نام می‌کند.

نوامبر - انتشار سالنامه‌ی ادبی انتشارات آپولون که سه قطعه از اشعار ماندلشتام در آن به چاپ رسیده است.

۱۹۱۲ - تا اواسط پاییز در فنلاند به سر می‌برد؛ غالباً به پترزبورگ می‌آید و در کنسرت‌ها، شب شعرها و نشست‌های ادبی شرکت می‌کند.

پاییز - بار دیگر در پترزبورگ ساکن می‌شود و با جدیت تحصیلات دانشگاهی را دنبال می‌کند، در کنفرانس‌ها و گفتگوهای ادبی در میخانه‌ی «سگ ولگرد» شرکت می‌جوید.

۱۹۱۳ - شانزدهم فوریه - شرکت در نشست آتلیه‌ی شعرا.

شانزدهم نوامبر - در یک شب‌نشینی دوستانه در جمع شعرا، اشعار ماندلشتام در حضور مایاکوفسکی خوانده می‌شود.

بیست و هفتم نوامبر - شرکت در شب شعر میخانه‌ی سگ ولگرد - در آنجا با کلبینکوف شاعر فوتوریست در مورد حکم دادگاه یک یهودی متهم به قتل که تبرئه شده بود، با شدت مشاجره می‌کند و او را به دوئل فرا می‌خواند.

دهم دسامبر - در نشستی در «سگ ولگرد» در بحثی پر تضاد درباره‌ی «فوتوریسم و ارتباط



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

آن با جامعه‌ی معاصر» شرکت می‌جوید.

۱۹۱۴ - سوم ژانویه - به جمع دوستان در «سگ ولگرد» می‌پیوندند و شعر «آخمتاوا» را برای تجلیل از شاعره می‌سرایند.

هیجدهم آوریل - ماندلشتام هم زمان با گومیلیوف به عضویت جامعه‌ی ادبی روسیه انتخاب می‌شود.

هفدهم ژوئیه - بازگشت به پترزبورگ و شنیدن خبر اعلام جنگ روسیه به آلمان.

اوت - سرودن مجموعه اشعاری درباره‌ی رُم و «جایگاه انسان در جهان».

سپتامبر - انتشار مجموعه اشعاری درباره‌ی رویدادهای جنگ. پیوستن به جمع ادبی «پنجشنبه‌ها» که در آکادمی هنر گردهم می‌آیند.

بیست و دوم دسامبر - به ورشو می‌رود و به عنوان پزشک‌یار مشغول به کار می‌شود. به گفته‌ی آنا آخمتاوا، ماندلشتام با دیدن بازداشتگاه ورشو سخت دگرگون شده است.

۱۹۱۵ - بیست و پنجم ژانویه - در جشن خیریه برای سربازان دو شعر می‌خواند.

سی‌ام ژوئن - به شهر کوکتبل می‌رسد و تا ماه اوت در آنجا می‌ماند. صرف شام با الکسی تولستوی.

آشنایی با خواهران توستوا (آناستازیا و مارینا) - سرودن اشعار.

آخر نوامبر - آغاز ترجمه‌ی «فدر» اثر راسین.

بیستم دسامبر - مجموعه شعر «سنگ» تجدید چاپ می‌شود.

۱۹۱۶ - هفتم ژانویه - در یک شب شعر در منزل دوستی، مارینا توستوا را باز می‌یابد که برای گذراندن عید نوئل به پتروگراد آمده است.

دهم ژانویه - یک نسخه از مجموعه‌ی «سنگ» را به توستوا تقدیم می‌کند و در صفحه اول آن می‌نویسد: «سنگی برای تجدید خاطره».

بیستم ژانویه - به اتفاق مارینا توستوا به مسکو می‌رود و دو هفته آنجا می‌ماند.

دوم تا هجدهم فوریه - سفر دوم به مسکو، ماندلشتام بعداً نوشت که مارینا توستوا «مسکو را به او تقدیم کرده» بود. در این هنگام توستوا چند شعر برای او می‌سراید و ماندلشتام با شعر «چند صدایی گروه همسرایان دختران جوان» به او پاسخ می‌دهد.

هجدهم مه - در امتحان زبان‌شناسی شرکت می‌کند.

مه - ژوئن - در شهر اکساندرف میزبان مارینا توستوا می‌شود.

بیست و چهارم ژوئیه - پس از دریافت تلگرافی که از بیماری مادر خبر می‌دهد، همراه با

برادرش الکساندر رهسپار پتروگراد می‌شود.



● فلورا و ریو و سکایا (پدر و مادر ماندلشتام ۱۸۸۹)

بیست و ششم ژوئیه - مرگ مادر بر اثر سکتته مغزی - ماندلشتام به این مناسبت شعر «شب جبران ناپذیر است» را می‌سراید.

۱۹۱۸ - زمستان در پتروگراد می‌ماند. با نشریات مختلف همکاری می‌کند. بارها به دیدار آخمتاوا می‌رود.

اوایل مارس - به عضویت اتحادیه هنرمندان پذیرفته می‌شود.

۱۹۱۹ - اواسط فوریه - پیش از شروع سرکوب‌ها به خارکف سفر می‌کند؛ ماندلشتام بخش شعر را در کمیته ادبیات اُکراین که از سوی دولت موقت کارگران و دهقانان اُکراین تعیین شده است، سرپرستی می‌کند. با چند مجله همکاری می‌کند و در شبهای شعر و ادبیات شرکت می‌جوید.

اول مه - ماندلشتام در کافه خُلام یا نادژدا یا کولونا خازنیا - همسر آینده‌اش - آشنا می‌شود. دختر جوان نقاش است.

پنجم دسامبر - نخستین نامه را به نادژدا یا کولونا می‌نویسد.

۱۹۲۰ - ژانویه - فوریه - همراه با برادرش در فنودوسیا به سر می‌برد و در حلقه‌ی اشرافی ادبی آن‌جا شعر می‌خواند، آشنایی با کمونیست‌هایی که در اختفا به سر می‌برند.

اوت - ماندلشتام که به علت روابط با افراد مخفی شده مورد سوء ظن است، از سوی





پروفیسر شمس گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



سر ویس ضدجاسوسی دستگیر و خیلی زود به یاری سرهنگ سیگالسکی و سایر دوستانش آزاد می‌گردد.

هفتم سپتامبر - همراه با برادرش الکساندر با فایق از فنو دوسیا به باتوم می‌رود. حدود دوازدهم سپتامبر - آن دو را فوراً پس از رسیدن به باتوم مقامات نظامی دستگیر می‌کنند. این بار نیز تلاش دوستان به ویژه دو شاعر گرجی موثر واقع می‌شود و هر دو را آزاد می‌کنند.

پنجم نوامبر - امضای قرارداد برای چاپ مجموعه اشعار «سنگهای تازه».

هجدهم نوامبر - مراسم بزرگداشت «اوسپ ماندلشتام» در خانه‌ی هنرها.

چهارم دسامبر - در حالی که اشعار مایاکوفسکی در خانه‌ی هنرها خوانده می‌شود، ماندلشتام اشعارش را برای آرینا می‌خواند.

۱۹۲۱ - زمستان - در پتروگراد می‌ماند.

اوایل مارس - پس از به دست آوردن نشانی جدید نادژدا خازینا به کی یف می‌رود و به اتفاق نادژدا به مسکو باز می‌گردد.

اوایل ژوئن - سفر با نادژدا به پتروگراد. آن دو سپس به رُستف می‌روند.

اواخر اوت - به اتفاق نادژدا ساکن باتوم می‌شود و تا دسامبر در آنجا می‌ماند. دیدار با بولگاکف نویسنده.

پانزدهم اکتبر - از جمله اعضاء فعال اتحادیه‌ی نویسندگان روس در گرجستان می‌شود.

۱۹۲۲ - آخر فوریه - اوایل مارس - اوسپ و نادژدا در کی یف ازدواج می‌کنند.

ژوئن - انتشارات ایستوکی مجموعه‌ی «طبیعت و اژه‌ها» را چاپ می‌کند.

اوت - مجموعه اشعار «تریستان» در برلین منتشر می‌شود.

۱۹۲۳ مارس - شعرخوانی در صدمین نشست اتحادیه نویسندگان.

حدود بیست و یکم مه - سفر به پتروگراد. نخستین دیدار نادژدا ماندلشتام با آنا آخمتوا.

بیست و سوم اوت - فرستادن نامه‌ای به اتحادیه نویسندگان روسیه که در آن استعفای خود را اعلام کرده است، علت را «بی‌اعتنایی بی‌اندازه‌ی گردانندگان نسبت به نویسندگان» ذکر می‌کند. ششم تا هشتم اکتبر - هنگام بازگشت به مسکو در منزل پوژنی خازین، برادر نادژدا، ساکن می‌شود.

بیست و ششم اکتبر - همراه با آسینف، بریوشف، ایستین، مایاکوفسکی، پاسترناک و چند نویسنده‌ی دیگر در جشن بزرگ شعر مسکو شرکت می‌کند.

۱۹۲۴ - دوم و سوم ژانویه - مراسم بزرگداشت اوسپ ماندلشتام در خانه‌ی مطبوعات

کی‌یف.

۲۷ ژانویه - در مراسم ترحیم لنین با بوریس پاسترناک رو به رو می‌شود و بعد مقاله‌ای در این باره می‌نویسد.

سپتامبر - اکتبر - دیدار و نامه‌نگاری با بوریس پاسترناک.

۱۹۲۵ - اواسط ژانویه - عشق شدید نسبت به الگا واکسل و سرودن اشعاری برای او. بیماری سیل نادژدا شدت می‌گیرد.

سپتامبر - پس از تشخیص سیل، پزشکان اقامت در جنوب را برای نادژدا تجویز می‌کنند. اول اکتبر - سفر نادژدا به یالتا. اوسپ در منزل برادرش اوژنی در لنینگراد سکونت و مدام آثاری را ترجمه می‌کند تا بتواند هزینه‌ی مداوای همسرش را بپردازد. اواسط نوامبر - در یالتا به نادژدا می‌پیوندد.

۱۹۲۶ - سی و یکم ژانویه - یک روز در مسکو توقف می‌کند - حین دیدار با پاسترناک درباره‌ی اسنین گفتگو می‌کنند و پاسترناک اشعار تازه‌اش را می‌خواند. اوسپ چنان شیفته می‌شود که به قطار نمی‌رسد.

آخر آوریل - به یالتا نزد نادژدا می‌رود.

آخر مه - به اتفاق نادژدا به لنینگراد باز می‌گردد و بین راه چند روز در کی‌یف توقف می‌کند. ۱۹۲۷ - بیست و هشتم ژانویه - به عضویت در اتحادیه‌ی شاعران روس در بخش لنینگراد پذیرفته می‌شود.

فوریه - مارس - سفر به اتفاق نادژدا برای استفاده از آب گرم معدنی قفقاز.

هجدهم اوت - امضاء قرارداد با ناشر برای چاپ «اشعار».

سپتامبر - نادژدا به کریمه می‌رود. انتشار رمان «نواد و سه» اثر ویکتور هوگو. با پیش‌گفتار اوسپ ماندلشتام.

۱۹۲۸ - بیست و سوم مارس - گفتگوی تلفنی با آنخاتوا؛ با اشتیاق از اشعار واگنیف سخن می‌گویند.

چهاردهم آوریل - برای تخفیف مجازات گروه محکومین به مرگ (شش عضو عالی رتبه‌ی یک شرکت اعتباری و مسئول سابق آن) با بوخارین گفتگو می‌کند.

هجدهم مه - یک نسخه از کتاب «اشعار» خود را که به تازگی منتشر شده است، برای بوخارین می‌فرستد و در صفحه‌ی اول آن می‌نویسد: «این کتاب سراسر اعتراضی است به آنچه خیال انجامش را دارید.» به زودی بوخارین با تلگراف به او خبر می‌دهد که در مجازات گروه مزبور تخفیف داده‌اند.



● تصویر کودکی ماندلشتام (ورشو ۱۸۹۱)

بیست و پنجم اوت - به مناسبت سالروز اعدام گومیلیف نامه‌ای برای آخماتوا می‌فرستد. سپتامبر و دسامبر - انتشار جلد اول آثار والتر اسکات با ترجمه‌ی ماندلشتام و لیوچیتس. بیست و هشتم نوامبر - روزنامه‌ای در لنینگراد نامه‌ای از آ. گونفلد را به چاپ می‌رساند که در آن ماندلشتام به سرقت ادبی متهم شده است.

دوازدهم دسامبر - روزنامه‌ی دیگری پاسخ ماندلشتام را به گونفلد منتشر می‌کند.

۱۹۲۹ - ژانویه - مارس - سفر به کی‌یف. بیماری نادردها.

هفتم آوریل - در روزنامه‌ی ایزوستیا در نامه‌ای از رفتار ناشران با مترجمان انتقاد می‌کند. شروع سومین محاکمه در لنینگراد (ایونف، ماندلشتام و لیوچیتس را متهم کرده است که رمان «مایین رید» را نه از زبان اصلی (انگلیسی)، بلکه از فرانسه ترجمه کرده‌اند).

آخر اوت - بازگشت به مسکو به اتفاق نادردها و اجاره‌ی یک اتاق. شروع به همکاری با روزنامه‌ی «کمسومل مسکو» و سردبیری بخش ادبی آن.

دسامبر - کناره‌گیری از جمع ادبی و نوشتن نامه‌ی سرگشاده به نویسندگان روس.

۱۹۳۰ - ژانویه - در پی تعطیل «کمسومل مسکو»، همکاری با روزنامه «شب مسکو» و

مجله‌ی «پنج روز» را آغاز می‌کند.

چهاردهم آوریل - از مرگ مایاکوفسکی با خبر می‌شود.

دسامبر - همراه با نادژدا به لنینگراد می‌رود و شعر «لنینگراد» را می‌سراید.  
۱۹۳۱ - ژانویه - کمیسیون مسکن نویسندگان، تقاضای او را برای استفاده از یک اتاق در لنینگراد رد می‌کند.

دوم ژانویه - چند روز در منزل برادرش اوژنی اقامت می‌کند. نادژدا بیمار است.  
اول ژوئیه - برای مجله‌ی «نوی میو» ده شعر می‌فرستد که فقط یکی از آنها را می‌پذیرند، اما اوسپ اجازه‌ی چاپ آن را نمی‌دهد، زیرا نمادی از آخرین مرحله‌ی کارش است.  
اوت - به اتفاق نادژدا با ایزوستیا و مجله‌ی «آموزش کمونیستی» همکاری می‌کند.  
پاییز - نادژدا را به بیمارستان می‌برد.

۱۹۳۲ - ژانویه - هر دو به یک اتاق ده متری در بلوار تروتسکی نقل مکان می‌کنند (در بهار همان سال به اتاق پهلویی منتقل می‌شوند که خشک‌تر و بزرگ‌تر است).  
بست و سوم مارس - به پاداش «خدمت به ادبیات روس» پرداخت ۲۰۰ روبل مقرری ماهیانه به ماندلشتام تصویب می‌شود.  
آوریل - چاپ چند شعر در «نوی میو».

سیزدهم سپتامبر - دادگاهی برای رسیدگی به پرونده‌ی ماندلشتام - سارگیجان تشکیل می‌شود؛ حین مشاجره در خانه‌ی نویسندگان، سارگیجان به نادژدا سیلی می‌زند، اما الکسی تولستوی (نویسنده‌ی مورد علاقه‌ی استالین) تقصیر را متوجه سارگیجان نمی‌داند. ماندلشتام بعداً برای اعتراض، به تولستوی سیلی می‌زند و از آنجا که رأی دادگاه را غیرعادلانه می‌داند، با نوشتن نامه‌ای از عضویت در اتحادیه‌ی نویسندگان کناره‌گیری می‌کند.

پانزدهم دسامبر - در پی بستری شدن در آسایشگاه، برای گذراندن دوران نقاهت به استراحتگاه نویسندگان در حومه مسکو می‌رود.

۱۹۳۳ - سی و یکم ژانویه - امضای قراردادی برای چاپ «گزیده‌ی قطعات».  
بست و دوم فوریه - مراسم بزرگداشت اوسپ ماندلشتام در لنینگراد.  
سوم آوریل - مراسم بزرگداشت اوسپ ماندلشتام در باشگاه هنرمندان مسکو - دستگیری کوزین.

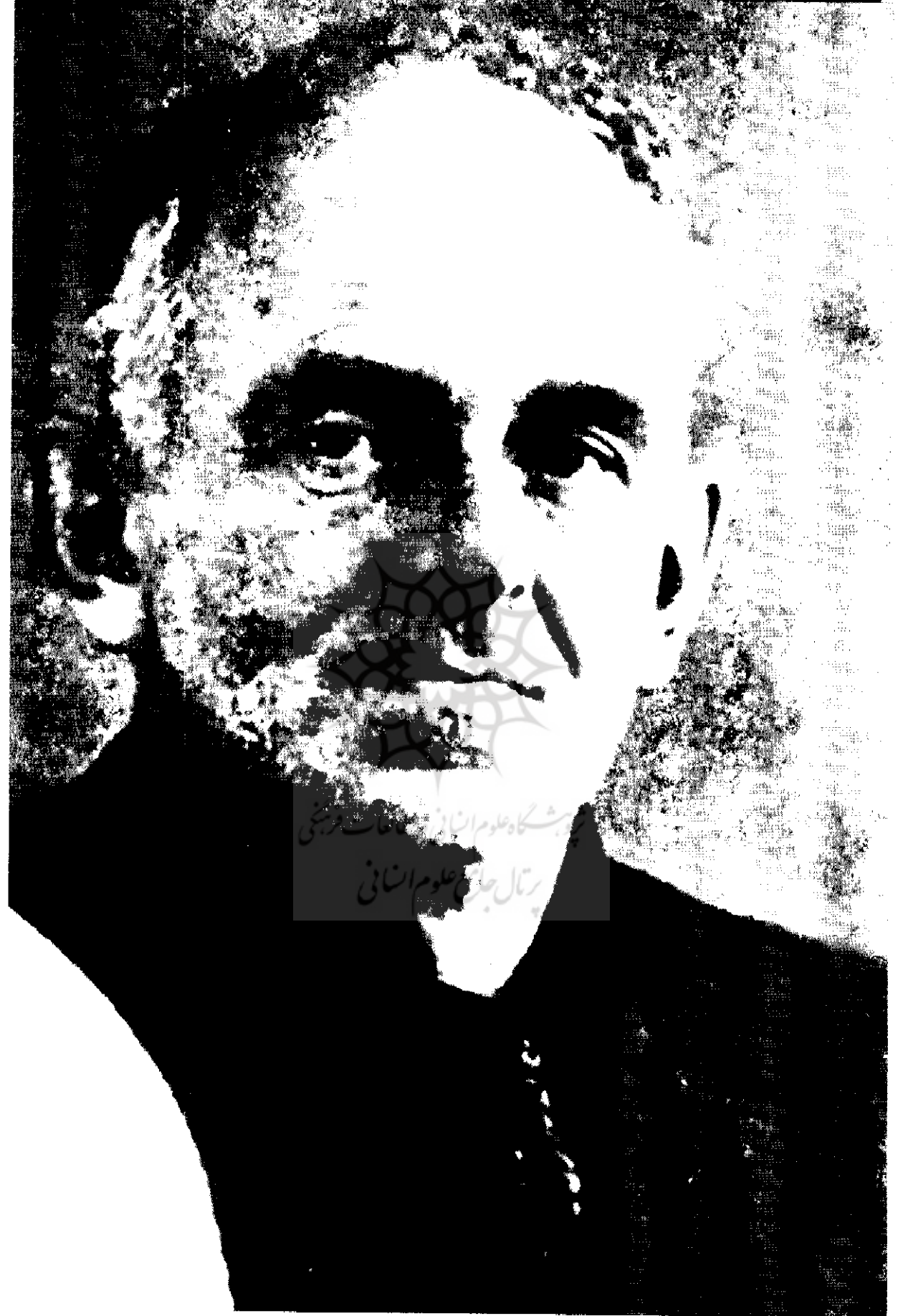
چهارم تا ششم مه - سرودن شعر «ارسطو»، شروع نگارش «گفتگو با دانت».

اوت - اجازه اقامت در یک آپارتمان با دو اتاق.

شانزدهم نوامبر - آخمتاوا برای دیدارش به آپارتمان جدید می‌آید.

آخر نوامبر - بیماری نادژدا.

۱۹۳۴ - ژانویه - پدر اوسپ، نیناگرین، لوگومیلیف (پسر آخمتاوا و گومیلیف) و آخمتاوا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

هر یک مدتی را در آپارتمان اوسسپ به سر می‌برند.

بیستم مارس - موزه‌ی ادبی خرید دستنوشته‌هایش را به مبلغ ۵۰۰ روبل پیشنهاد می‌کند، اما ماندلشتام نمی‌پذیرد.

ششم مه - در خانه‌ی نویسندگان لنینگراد به آلکسی تولستوی سیلی می‌زند. پس از رسیدن به مسکو، آنا آخمتوا به منزلش می‌آید.

سیزدهم و چهاردهم مه - دستگیری ماندلشتام. «مأمورین تا صبح خانه را جستجو و اشعار را جمع می‌کردند. ساعت ۷ صبح او را بردند» (خاطرات آنا آخمتوا).

هجدهم مه - ورود به زندان لوبیانکا - رگ‌زنی به قصد خودکشی.

هجدهم تا بیست و پنجم مه - بازجویی و محاکمه.

بیست و هفتم مه - پایان محاکمه - حکم: سه سال تبعید به چردین با ذکر این که «باید در انزوا باشد». نادژدا اجازه‌ی همراهی شوهرش را دارد. آخمتوا و بولگا کوا (همسر بولگا کاف نویسنده) برای هزینه‌ی سفر آنها پول جمع می‌کنند.

سی‌ام مه - سفر با اسکورت تا سردولسک. ماندلشتام از شنیدن صداهای موهوم رنج می‌برد و تصور می‌کند که اعدام خواهد شد. دایم در فکر خودکشی است.

چهارم ژوئن - بیرون پریدن از پنجره‌ی بیمارستان به قصد خودکشی. بعداً پزشکان تشخیص می‌دهند که شانه‌اش آسیب دیده است.

سوم تا دوازدهم ژوئن - نادژدا به مقامات مسکو، از جمله به کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست نامه می‌نویسد. آخمتوا و پاسترناک اقدام می‌کنند. بوخارین به استالین نامه می‌نویسد. کاهش مشکلات روانی ماندلشتام.

دهم تا دوازدهم ژوئن - تجدیدنظر در رأی دادگاه - تلگراف یوژنی خازین آنها را از این تجدید نظر باخبر می‌کند.

سیزدهم ژوئن - استالین به پاسترناک تلفن می‌کند و می‌گوید که کار ماندلشتام «درست می‌شود».

چهاردهم ژوئن - رسیدن تلگراف رسمی به چردین: تبعید به مدت سه سال و ممنوعیت اقامت در مسکو، لنینگراد و ده شهر دیگر.

پانزدهم ژوئن - احضار ماندلشتام برای «انتخاب» محل تبعید؛ او ورونش را انتخاب می‌کند.

آخر ژوئن - دیدار با روانپزشک: اثری از ناراحتی روانی باقی نمانده است.

اوت - پاسترناک از انجمن فرهنگ و تبلیغات کمیته مرکزی حزب کمونیست در ورونش تقاضا می‌کند به ماندلشتام برای ادامه‌ی فعالیت ادبی در آن شهر کمک کنند.



● اوسیب و آلکساندر ماندلشتام (۱۸۹۹)

۲۵

سپتامبر - اکتبر - سفر به اتفاق گروهی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران ورونش برای افتتاح نخستین تئاتر آن شهر.

۱۹۳۵ - پنجم ژانویه - امضاء قرارداد برای کتاب «ورونش قدیم، ورونش جدید».

سی‌ام مارس - در انتظار رسیدن آخماتوا و یاخوتتف به ورونش است.

ششم آوریل - شروع ترجمه‌ی «ایوت» اثر موپاسان.

بیست و دوم آوریل - بازگشت نادرذا از مسکو.

نهم ژوئیه - «جوانی گوته» را بازنویسی می‌کند. قرار است از طرف روزنامه‌ی کمونا به سفر

برود.

آخر اوت - سازمان محلی نویسندگان اعلام می‌کند که ماندلشتام را دشمن نمی‌داند، اما از

آنجا که رویکرد مسکو روشن نیست، از ادامه‌ی همکاری خودداری می‌کند.

بیست و هفتم سپتامبر - پروژه‌ی کتابی درباره‌ی شعرهای مردمی.

نوزدهم نوامبر - معاینه‌ی پزشکی - روانپزشک خستگی سیستم عصبی را تشخیص

می‌دهد.

هفدهم دسامبر - در «اعلامیه‌ای برای پلنوم مینسک» مسائل مهم سیاسی را مطرح می‌کند.

اعلامیه را اتحادیه‌ی نویسندگان ورونش به مدیریت اتحادیه در مسکو ارسال می‌کند.



هجدهم دسامبر - به دست آوردن اوراق هویت با اعتبار سه ساله. سفر به آسایشگاه تامبوف.  
۱۹۳۶ - بیست و ششم ژانویه - به درخواست نادرذا و به دلیل وخامت بیماری ماندلشتام،  
اتحادیه‌ی نویسندگان و رونش از صندوق ادبی اتحاد جماهیر شوروی تقاضای ۸۰ روبل کمک  
مالی می‌کند.

پنجم فوریه - آخماتوا به ورونش می‌آید. صندوق ادبی با درخواست کمک موافقت می‌کند.

شانزدهم فوریه - در جشن خاتمه‌ی پلنوم اتحادیه‌ی نویسندگان در مینسک، پاسترناک به  
سلامتی ماندلشتام می‌نوشد.

آخر فوریه - پاسترناک و آخماتوا از دادستان کاتانیاں تخفیف مجازات ماندلشتام را تقاضا  
می‌کنند، به اتفاق ۱۰۰۰ روبل برایش می‌فرستند.

چهارم مارس - تاریخ زیر شعر «ورونش» اثر آخماتوا که به ماندلشتام هدیه شده است.  
شانزدهم مارس - اتحادیه‌ی نویسندگان ورونش از ادامه‌ی کمک مالی به ماندلشتام  
خودداری و ادعا می‌کند که به قدر کافی به او کمک رسانده‌اند.

حدود دوازدهم آوریل - هنگام پلنوم منطقه‌ای اتحادیه‌ی نویسندگان جملات تحقیرآمیزی  
بر علیه ماندلشتام ایراد می‌شود.

سیزدهم آوریل - ناراحتی قلبی پس از تماشای تئاتر.  
حدود بیست و هشتم آوریل - دریافت پولی که آخماتوا و پاسترناک فرستاده‌اند و یادداشت  
همراه آن. ماندلشتام در پاسخ نامه‌ای می‌نویسد.

هفتم مه - حین حضور در اجرای نهمین سمفونی بتهوون درد شدیدی در ناحیه‌ی قلب  
احساس می‌کند و فوراً به کلینیک می‌رود.

بیست و هفتم مه - پزشکان تشخیص می‌دهند که ماندلشتام قادر به کار کردن نیست.  
شانزدهم ژوئن - نادرذا از کار افتادگی ماندلشتام و فقدان هرگونه منبع مالی او را به اطلاع  
مدیریت اتحادیه‌ی نویسندگان ورونش می‌رساند. اتحادیه پیشنهاد می‌کند از مدیریت سراسری  
و صندوق ادبی اتحاد جماهیر شوروی تقاضای کمک شود و مدارک را برای آنها می‌فرستد.

یازدهم سپتامبر - در نشست نویسندگان ورونش درباره‌ی مبارزه با دشمنان طبقاتی در  
جبهه‌ی ادبیات نام ماندلشتام و دو نویسنده‌ی دیگر مطرح می‌شود.

شانزدهم سپتامبر - چاپ مقاله‌ای علیه ماندلشتام در روزنامه‌ی کمونا.

سی و یکم دسامبر - نامه به تیخمانف و تقاضای کمک.

۱۹۳۷ - تا اواسط ژانویه - بر روی «قطعه‌ای برای استالین» کار می‌کند. این پروژه ابتدا به

Ossip Mandelstam

# Das Rauschen der Zeit

Gesammelte  
»autobiographische« Prosa  
der 20er Jahre

Ammann Verlag



منظور نجات شاعر از مرگ آغاز شده بود.

فوریه - مارس - پاسترناک «دومین نقد ورونش» اثر ماندلشتام را می‌خواند و یادداشتی برای او می‌نویسد.

بیست و سوم آوریل - چاپ مقاله‌ای در کمونا به قلم کرتوا. نویسنده در این مقاله با عنوان «برای ادبیاتی که با دوران یگانه باشد»، نام ماندلشتام را همراه با چند تن دیگر در زمره‌ی «پیروان تروتسکی و دشمنان طبقاتی» ذکر می‌کند.

بیست و پنجم مه - درد ففسه‌ی سینه.

دهم ژوئن - آنا آخمتوا به اتفاق اماگوستین شام را همراه با ماندلشتام در مسکو صرف می‌کند.

آخر ژوئن - مقامات به ماندلشتام دستور می‌دهند که مسکو را ظرف بیست و چهار ساعت ترک کند و او پس از تظاهر به حمله‌ی قلبی، از آپارتمان همراه با نادژدا خارج می‌شود؛ ملاقات با روداکف و سفر به ساوولف. ماندلشتام غالباً از آنجا خود را به مسکو می‌رساند.

سوم تا پنجم ژوئیه - سرودن آخرین اشعاری که از او برجا مانده است.

اول پائیز - سفر به لنینگراد، دیدار با آخمتوا، مراسم بزرگداشت ماندلشتام در محل اتحادیه‌ی نویسندگان لغو می‌شود.

اواسط پائیز - اقامت در استراحتگاه اتحادیه‌ی نویسندگان.

نوامبر - در «ورونش ادبی» مقالاتی علیه ماندلشتام به چاپ می‌رسد.

۱۹۳۸ - هفتم ژانویه، اتحادیه‌ی نویسندگان پرداخت مقرری را به ماندلشتام تصویب

می‌کند. ماندلشتام به افسردگی شدیدی دچار می‌شود.

بیست و ششم فوریه - در نامه‌ای به کوزین به افسردگی خود اشاره می‌کند.

آخر فوریه - ناشر از چاپ ترجمه‌ی «خاطرات برادران گنگور» خودداری می‌کند.

دوم مارس - از صندوق ادبی کمکی برای اقامت در استراحتگاه ساماتیخا دریافت می‌کند.

سوم تا پنجم مارس - آخرین سفر به لنینگراد برای تقاضای مقداری پول از دوستانش.

آخرین دیدار با آخمتوا.

حدود هشتم مارس - ورود به ساماتیخا در حومه‌ی مسکو.

دهم مارس - نامه به کوزین - دستگیری پسر آخمتوا.

پانزدهم مارس - با کوزین که همیشه مدافع ماندلشتام بوده است، محکوم به مرگ می‌شود.

شانزدهم مارس - استاوسکی منشی اتحادیه‌ی نویسندگان از پلیس امنیتی برای «حل

مسئله‌ی ماندلشتام» درخواست کمک می‌کند.

سیزدهم آوریل - نامه استاوسکی در بخش مدیریت پلیس امنیتی بایگانی و تحقیق در مورد ماندلشتام آغاز می‌شود.

سی‌ام آوریل - دستور دستگیری امضاء می‌شود.

دوم مه - ماندلشتام را در ساماتیخا مأموران امنیتی دستگیر می‌کنند.

دوم اوت - کمیسیون ویژه امنیتی، ماندلشتام را به جرم فعالیت‌های ضدانقلابی به پنج سال زندان تأدیبی با اعمال شاقه محکوم می‌کند. (ماندلشتام هشتم اوت از رأی مزبور باخبر می‌شود).

دوازدهم اکتبر - رسیدن به اردوگاه توریا راشکا.

حدود دهم نوامبر - نوشتن آخرین نامه به خانواده‌اش از ولادی وُستک (نامه سیزدهم

دسامبر به مسکو می‌رسد).

بیست و هفتم دسامبر - مرگ اوسپ ماندلشتام - تشخیص رسمی علت مرگ: ایست قلبی

و بیماری عروق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## ماهنامه پادنگ

نشریه پژوهشی، آموزشی و تحلیلی  
(محل انتشار رشت)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول فاطمه عاطفی فرد

وارد دومین سال انتشار شده است. دارای مطالب

خوب از نویسندگان معتبر - تلفن و فاکس ۲۲۳۷۵۰۹ - ۱۳۱۰

مراکز فروش در تهران: کتابفروشیهای طهوری و توس



پایان علوم